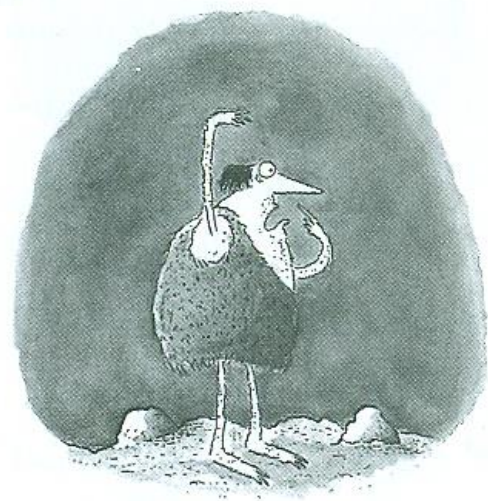


روزی روزگاری پنج مرد غارنشین

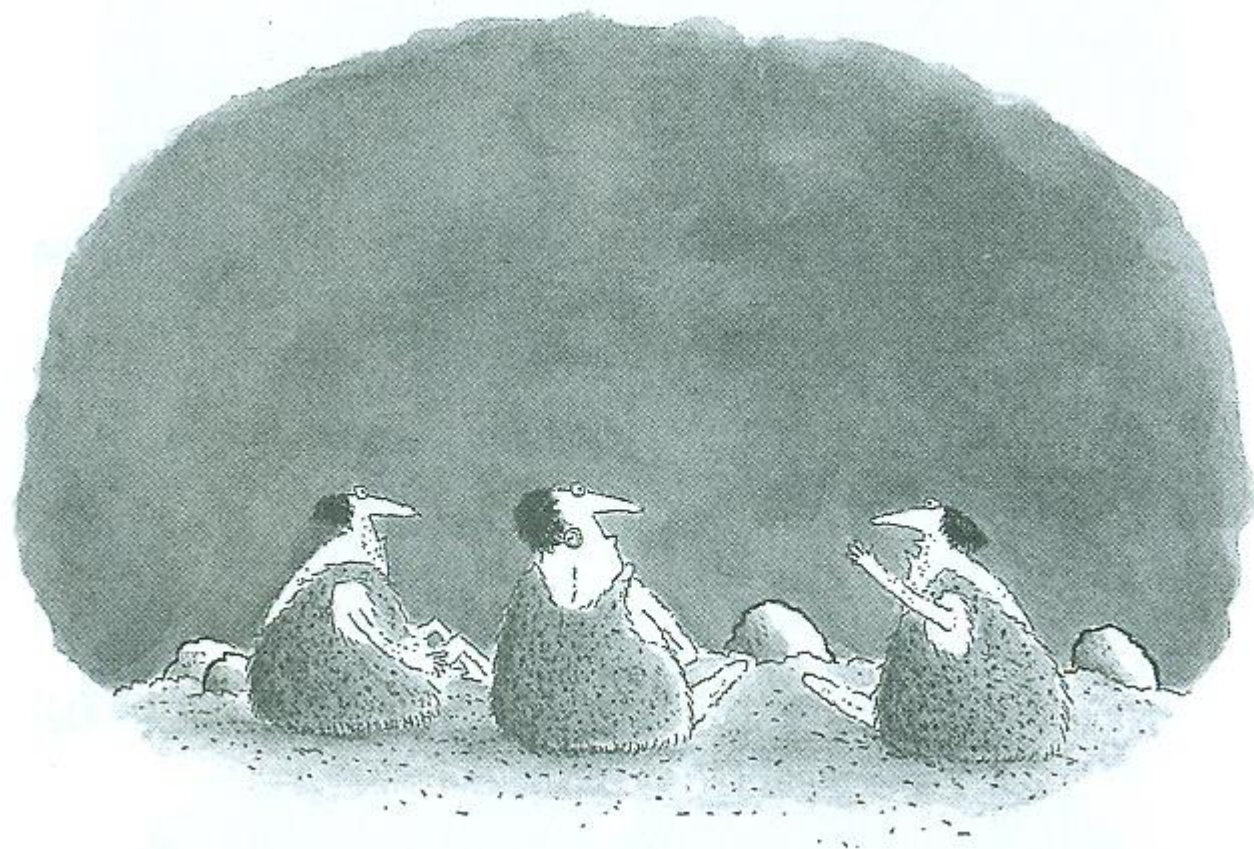


اونگا گفت: «بیرون غار
هیچی نیست. بیرون رفت
و مُرد! دیگه اونگا
نداشت!»



اوگی گفت: «نه، نه،
نه... بیرون شیطانِ بزرگ
خشمگین است. شیطان
بزرگ اوگی رو زیر پاش له
کرد. ومشتناکه!»

دور از تصور نیست که زندگی برای این گروه کوچک تا چه اندازه
می‌توانست کسل‌کننده باشد...



آنها از سایه ها می ترسیدند و یا با شادی به دنبالشان می دویدند.

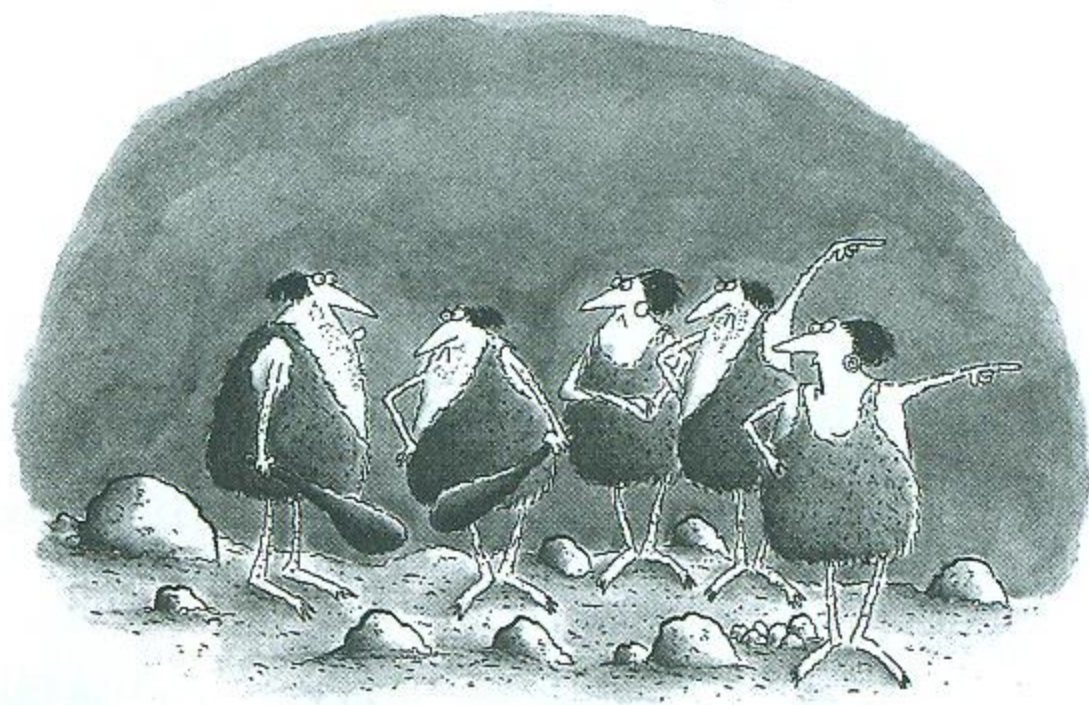




متی یکبار یک زرافه دیوانه درست جلوی غار، گرازی را زیر پایش
له کرد.

بوگی با سوالی همه را شگفت زده کرد.



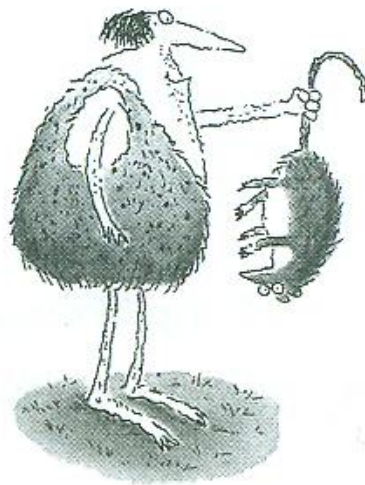


اونگا فریاد زد: «اگر بوگی اینقدر کنجکاو بود، توانست بیرون غار
رفت. بوگی به جهنم رفت و نابود شد!»

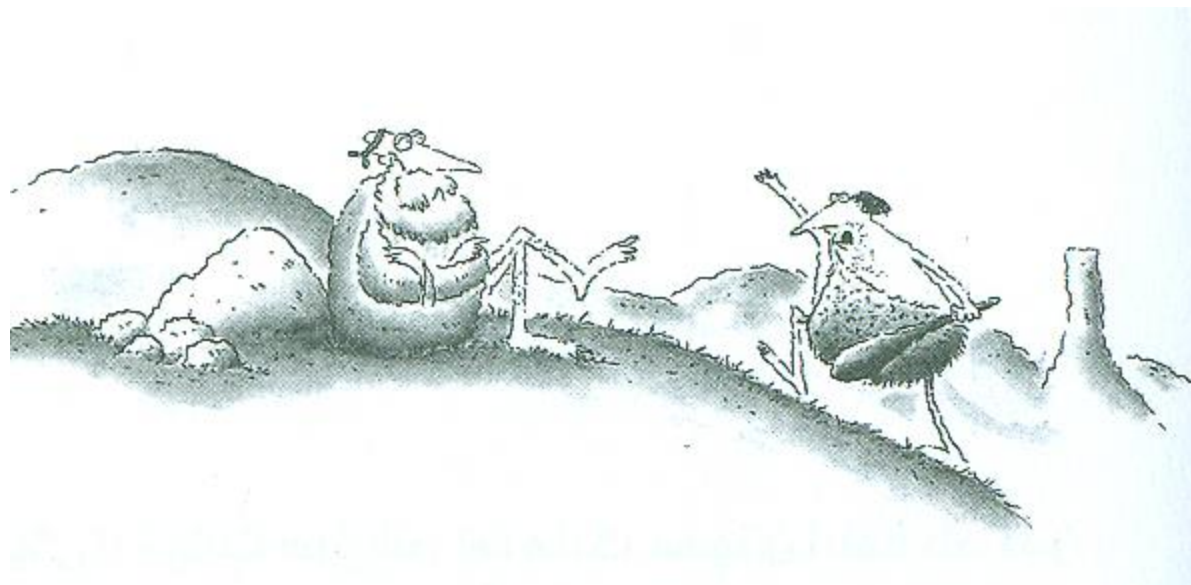
بقیه فریاد زدند: «برو!»



دنیای بیرون غار گشوده می شود.



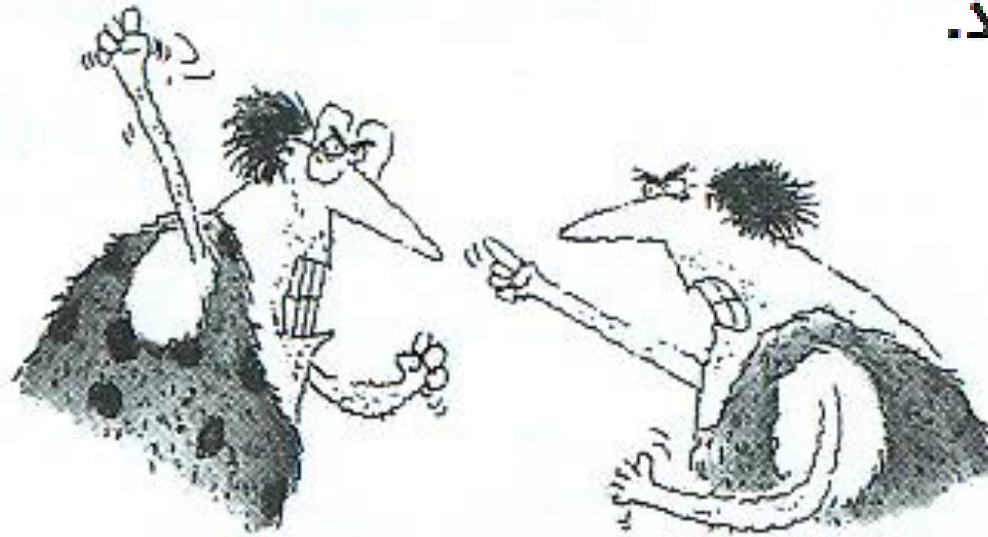
بوگی با مایک خردمند ملاقات می کند.



بوگی از مایک درباره بقیه آدمها می پرسد

مایک که با ناراحتی به دوردست‌ها خیره شده بود، پاسخ داد:
«بله، در سراسر این سرزمین، آدمای خیلی خیلی زیادی در صدها
غار زندگی می‌کنند. اونها هرگز بیرون نمی‌آین. اونها هیچ وقت یاد
نمی‌گیرند.»

مایک داستان دو قبیله را
تعریف می‌کند.



اجداد تو همه با هم درست در همین محل زندگی می کردند

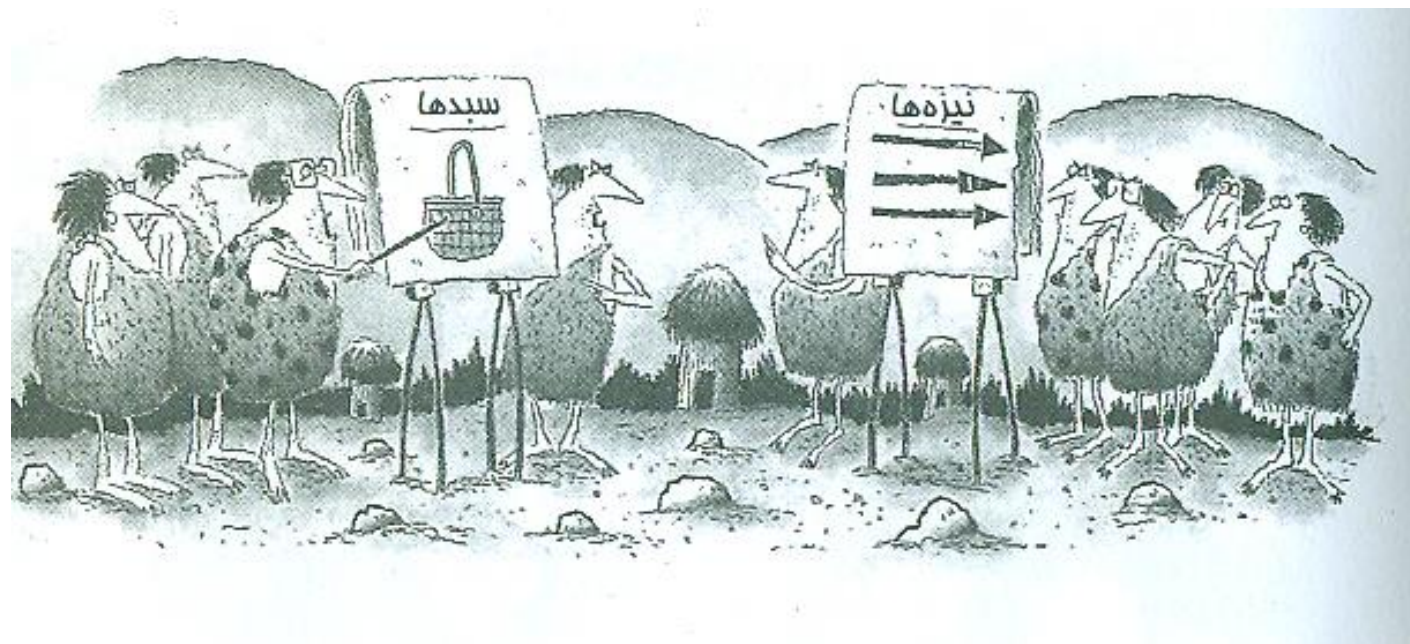


جمعیت زیاد و غذا
کمیاب می شود

هر قبیله برای پیدا کردن غذای بیشتر به برجهای خود رفتند تا
راه حلی پیدا کنند.



اختلاف نظر برای ادامه زندگی بالا می گیرد.



مایک گفت: «در این موقع بود که ریش سفیدان گیج شدند.»



و وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کرد:

بربرا!

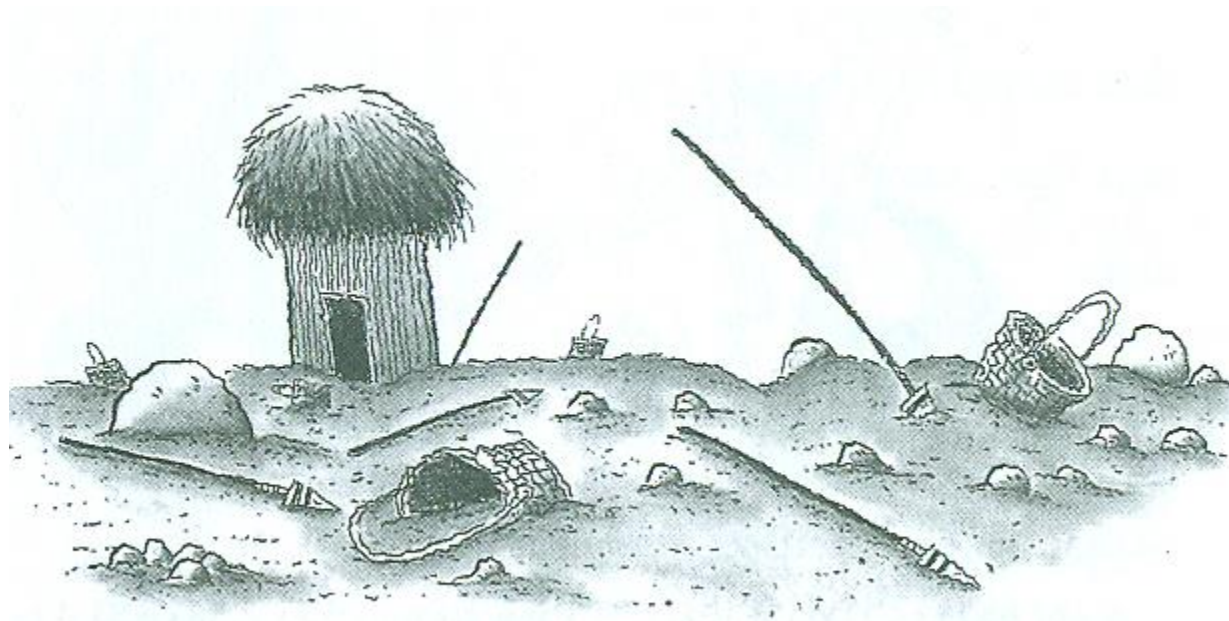
ترسوها!

آدمکش‌ها!

بزدلای نادون!



بوگی پرسید: «خب! بعد چه اتفاق افتاد؟»



اختلاف از کجا شروع شد؟



بوگی و مایک به برجها می روند.





برای بوگی قابل فهم بود که در سرزمینی با چنین میات و میش تا
چه اندازه، نیاز به وجود نیزه و تله و ابزار شکار احساس می‌شد.

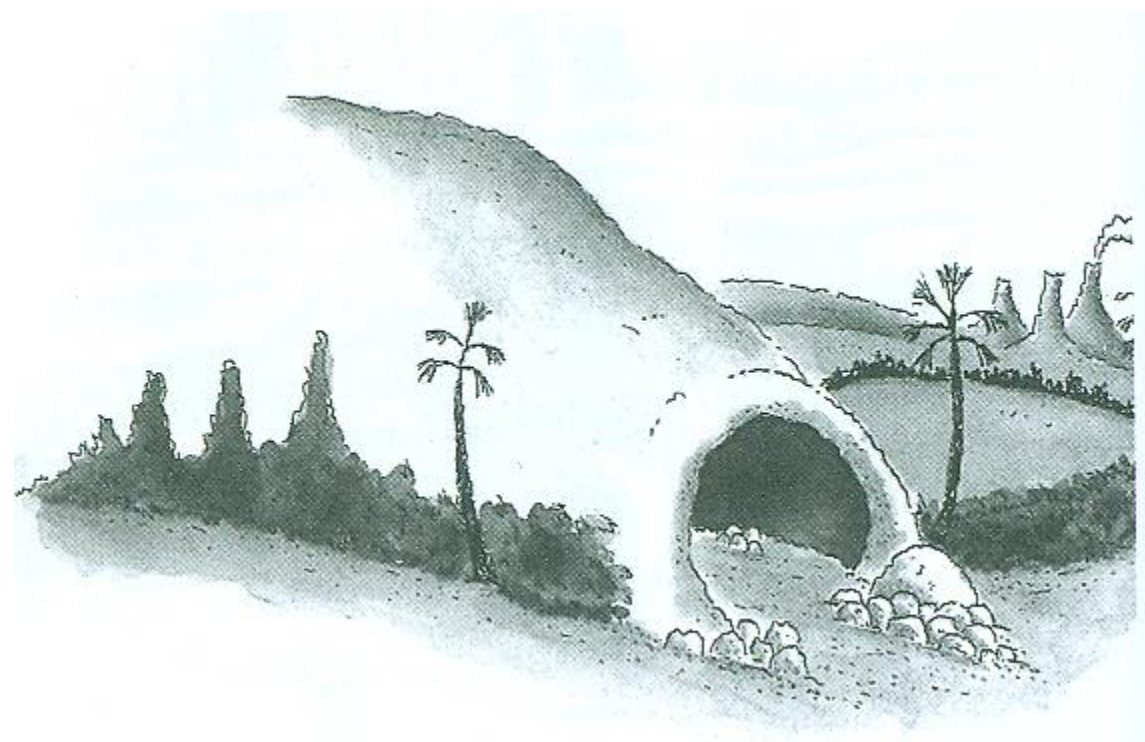


بوگی متوجه شد که در چنین سرزمین حاصل‌خیزی، تا چه اندازه
نیاز به وجود سبدها، انبارها و کارگاه‌های بافندگی اساس
می‌شد.

مالا بوگی می فهمید که چرا بین دو قبیله جنگ درگرفته بود.
دو برج متفاوت، دو چشم انداز متفاوت.

بوگی برای نجات دوستانش به غار خود باز می گردد.







CHANGE

چیستی / چرایی / چگونگی

چارچوب بازگشایی هر تغییر

تغییر نگرش: از دریچه ی نگاه تا پایداری رفتار

نگرش



دریچه ی نگاه ما به جهان

بینش



عمق دیدن و فهمیدن

روش



مسیر و چگونگی عمل

ارزش



معیارهای انتخاب و اولویت

منش



شخصیت و رفتار پایدار

تغییر نگرش، از سطح نگاه تا سطح شخصیت را دربر می گیرد



تا باور تغییر نکند، رفتار تغییر نمی‌کند

قانون تغییر باور

تا باور تغییر نکند، رفتار تغییر نمی‌کند

۰۱

مکانیزم اثر

باورهای محدودکننده الگوهای رفتاری را تثبیت میکنند

۰۲



باور، فیلتر (لنز) است که واقعیت را
میسازد

شناسایی باورهای محدودکننده ←
جایگزینی با باورهای توانمندساز

رهبر تحول آفرین نخست ویران میکند، سپس میسازد



ساختارشکنی

شکستن قالبهای کهنه و مفروضات قدیمی

ساختارسازی

طراحی چارچوبهای نو و پایدار

سه پرسش بنیادین هر تصمیم و اقدام



چگونگی

چگونه انجام دهیم؟
روش و اجرا



چرایی

چرا مهم است؟
انگیزه و معنا



چیستی

موضوع چیست؟
شفافیت



کیفیت اندیشیدن، کیفیت اندیشه‌ها را میسازد

اندیشه‌ها

محصول است؛

برای بهتر شدن اندیشه‌ها باید اندیشیدن را ارتقا داد

اندیشیدن

فرایند است؛

کیفیت فرایند، کیفیت خروجی را میسازد

رهبری یعنی مدیریت اندیشه‌ها — خود و دیگران

آرامش انتخابی درونی است، نه محصول شرایط بیرونی

آرامش

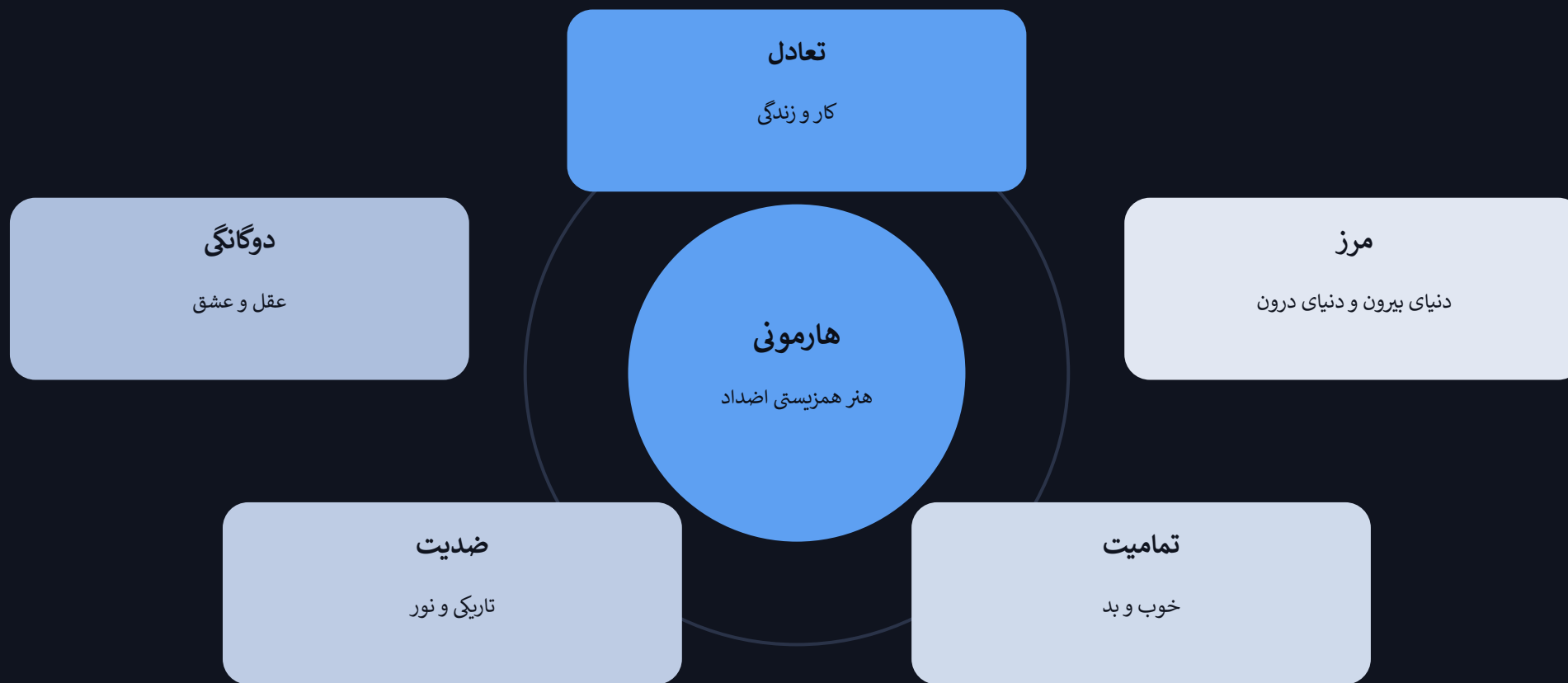
- سکون و امنیتِ درون؛
- انتخابی و مستقل از شرایط

آسایش

- راحتی جسم و شرایط بیرونی؛
- موقتی و وابسته به محیط

میتوان آسایش داشت اما آرامش نداشت؛ آرامش انتخابی درونی است

پارادوکس ها دو روی یک حقیقت اند؛ هارمونی هنر همزیستی اضداد





اثرگذاری و الهامبخشی

ردپایی از من در این هستی

اثرگذاری: برجای گذاشتن ردپایی ماندگار

الهامبخشی: روشن کردن مسیر برای دیگران

پرسش رهبری: پس از من، چه چیز بهتر خواهد شد؟

تمرکز، سرمایه ی کمیاب عصر ماست

اولویتبندی اهداف



تمرکز بر اندک کارهای مهم

تمرکز



سرمایهی کمیاب عصر ما

برده داری نوین



اسارت در حواسپرتیها و عاداتهای ناخواسته

سبک زندگی



طراحی آگاهانهی روزها

مدیریت انرژی



نه فقط زمان، بلکه انرژی را مدیریت کن

از مدیریت زمان به مدیریت انرژی و نیت برویم



من کیستم؟ سفر از خودشناسی تا خودشکوفایی



خودشناسی

شناخت نقاط قوت، ضعف و انگیزه ها

خودآگاهی

مشاهده بیطرفانه خود در لحظه

خودباوری

اعتماد به توانمندی ها

خودسازی

پرورش مداوم خود

خودشکوفایی

شکوفاکردن ظرفیتها

معنا ساخته میشود، نه یافت

انکه در جستن آنی ، آنی

رهبر واقعی به کار و زندگی خود معنا میبخشد و آن را به دیگران منتقل میکند

معنا = پیوند هدف، ارزش و اثرگذاری

تغییر از درون آغاز میشود: از نگرش تا
معنا

